

نقش اقلیم، فرهنگ و طبیعت در معماری خانه های سنتی استان گیلان

جواد مهرداد: دانشجو کارشناسی ارشد، مهندسی معماری، دانشکده معماری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد لاهیجان، ایران
javadmehrdad1994@yahoo.co.uk

چکیده

استفاده از اقلیم، فرهنگ و طبیعت امری تاثیر گذار در معماری خانه های سنتی گیلان می باشد. در معماری این خانه ها بهره گیری از جریانات باد در تابستان امری مهم شمرده می شود و تمامی قسمت های خانه را تحت الشعاع قرار می دهد به گونه ای که دورتا دور بنا را ایوان و تالار^۱ در برگرفته است. ایوان ها و تالارها، به جریان افتادن کوران های^۲ هوا در سر تا سر خانه کمک کرده و تهویه اتاق ها از طریق بازشوهایی که به آن ها متصل است را میسر می کنند. علاوه بر آن این عناصر به کم کردن تاثیر رطوبت و نور مستقیم خورشید در فصل تابستان کمک کرده و حایل مناسبی برای جلوگیری از برخورد باران به دیوارهای خانه است. معماری گیلان علاوه بر نقش پر رنگ اقلیم در خانه های سنتی خود فرهنگ بومیان منطقه را نیز در دل خود جای داده، به گونه ای که در هر قسمت از این خانه ها می توان آن را احساس کرد. طبیعت همواره جایگاه ویژه ای در این خطه داشته و مردم به همجواری و استفاده از طبیعت عشق می ورزند. این خواسته سبب شده که در بسیاری از عناصر، احترام به طبیعت و دید منظر جایگاه ویژه داشته باشد و عمده مصالح آن را نیز مصالح طبیعی تشکیل دهد.

کلمات کلیدی: اقلیم، فرهنگ، طبیعت، خانه های سنتی



۱- تالار: بالاخانه، مهتابی، نوعی ایوان در شهرهای شمالی، ایوان طبقه بالا در خانه های روستایی، نوعی فضای تابستان نشین را گویند.
۲- کوران: جریانات طبیعی هوا را گویند.

۱- مقدمه

اقلیم، فرهنگ و طبیعت همواره فاکتورهای تاثیر گذار بر معماری بوده و نقش ویژه ای به شکل دهی به آن داشته است. معماری گیلان به عنوان یک معماری منحصر به فرد و متفاوت نسبت به سایر نقاط ایران شناخته می شود و بر ویژگی های بومی خود تاکید داشته است. در این تحقیق با استفاده از روش تحلیلی-توصیفی به ویژگی های اقلیمی، فرهنگی و عناصر معماری گیلان پرداخته، دلیل آن را بررسی کرده و سپس برای پاسخ به این سوال برآمدیم که کدام حوزه بیشترین تاثیر را در معماری گیلان ایفا کرده است؟

۲- اقلیم استان گیلان

"سواحل دریای خزر با آب و هوای معتدل و بارندگی فراوان، از جمله مناطق معتدل محسوب می شود." (کسمائی، ۱۳۸۴) این منطقه به وسیله حصار بلند البرز از بقیه ایران جدا می شود. (معماریان، ۱۳۸۷) این استان دارای دو منطقه آب و هوایی بوده که آب و هوای معتدل و مرطوب در بخش جلگه ای و آب و هوای سرد کوهستانی در بخش رشته کوه های البرز را دارا می باشد. "بین دامنه های شمالی، کوه های البرز و سواحل جنوبی، دریای خزر قرار دارد و به دو بخش جلگه باریک شرقی و شمال غربی و جلگه مرکزی تقسیم می شود." (معماریان، ۱۳۸۷) از جمله ویژگی های قسمت جلگه ای آن "رطوبت زیاد هوا و اعتدال درجه حرارت آن است. دما هوا در روزهای تابستان بین ۲۵ تا ۳۰ درجه سانتی گراد و در شب ها بین ۲۰ تا ۲۵ درجه سانتی گراد و در زمستان معمولاً بالای صفر است" (کسمائی، ۱۳۸۴) و در بخش کوهستانی آن "زمستان ها، طولانی، سرد و سخت بوده و چندین ماه از سال پوشیده از یخ است. میزان بارندگی در تابستان کم و در زمستان زیاد است و بیشتر به صورت برف می بارد" (کسمائی، ۱۳۸۴).

۱-۲- تاثیرات اقلیم بر معماری گیلان

"معماری گیلان در عین فائق آمدن بر نامهربانی های طبیعت (مانند زلزله های مداوم در گیلان، باد و باران و برف های سنگین و...) همچون پیکره ای هماهنگ در بستر طبیعت از مواهب آن (نور خورشید، کوران، منابع و مصالح) بهره می گیرد. جهت استقرار بنا بر اساس باد و توپوگرافی و مصالح سازنده آن بر اساس مصالح طبیعی موجود در محل است." (رفیعی، ۱۳۹۰)

۱-۱-۲- باران و رطوبت

"باران مداوم و رطوبت نسبی زیاد منطقه، عامل اصلی شکل گیری معماری و شهرسازی بومی در این سرزمین است. در چنین محیطی احداث ساختمان باید با راهکارهای دقیقی صورت گیرد تا بتواند در برابر طرق مختلف نفوذهای رطوبت به ساختمان مقاومت نماید (رطوبت از سقف و کف)" (دیبی، ۱۳۷۲). "در نواحی بسیار مرطوب کرانه های نزدیک به دریا برای حفاظت ساختمان از رطوبت بیش از حد زمین، خانه ها بر پایه های چوبی ساخته شده اند. ولی در دامنه کوه ها که رطوبت کمتر است معمولاً خانه ها بر پایه هایی از سنگ و گل و در مواردی بر روی گریه روها^۲ بنا شده اند" (کسمائی، ۱۳۸۴). و برای جلوگیری از تاثیر رطوبت بیش از حد از سقف و همچنین "بارندگی زیاد در این مناطق، بام ها شیب دار است و شیب بیشتر آنها تند است" (کسمائی، ۱۳۸۴). همچنین به دلیل کج باران ها بخصوص در ناحیه جلگه ای از سمت غرب، شیب سقف در این قسمت بیشتر بوده و حتی در مواردی تا نزدیک سطح زمین کشیده شده است.

۱-۲-۲- باد

"در تمامی ساختمان های این مناطق بدون استثناء از کوران و تهویه طبیعی استفاده می شود. بطور کلی پلان ها گسترده و باز و فرم کالبدی آنها بیشتر شکل های هندسی، طولی و باریک است" (کسمائی، ۱۳۸۴) که "امکان حرکت راحت باد به منظور دفع رطوبت اطراف بدن و محیط انسان مطرح می گردد. این نیاز موجب شده تا بناهای مسکونی روستایی دارای لایه های شفاف مسقف و با باز شوهای بسیار زیاد در جداره های خارجی باشد. به گونه ای که گاه دور تا دور بنا را یک لایه فضای زیستی نیمه محصور و بدون جداره، یعنی ایوان های چهار طرفه، احاطه کرده است." (خاکپور، ۱۳۸۴) به منظور استفاده از جریانات باد در خنک کردن خانه در فصل تابستان در مناطق جلگه ای "جهت قرار گیری ساختمان ها با توجه به جهت وزش نسیم های دریا تعیین شده است. در نقاطی که بادهای شدید و طولانی می وزد، قسمت های رو به باد ساختمان کاملاً بسته است" (کسمائی، ۱۳۸۴). اما استفاده از جریانات بادهای طبیعی در خانه های مناطق کوهستانی به دلیل آب و هوای خنک در تابستان و رطوبت کمتر وجود نداشته و سعی شده "با استفاده از پلان های متراکم و فشرده و به حداقل رساندن سطح خارجی و تهویه طبیعی از میزان سوز و خروج حرارت داخلی به خارج جلوگیری کنند." (کسمائی، ۱۳۸۴) همچنین در نواحی روستایی "به منظور استفاده هر چه بیشتر از جریان هوا، همچنین به دلیل فراوانی آب و امکان دسترسی به آن در هر نقطه، ساختمان ها به صورت غیرمترکز و پراکنده در مجموعه سازماندهی شده است." (کسمائی، ۱۳۸۴)

۳- تاثیرات فرهنگ بر معماری گیلان

"مردم گیلان به دلیل شرایط خاص جغرافیایی به صورت عمده به کشت برنج اشتغال دارند. مهم ترین مراحل کاشت برنج بر دوش زنان گیلانی است. کار زیاد زنان در شالیزار و نیز کار کردن آنها در خارج خانه، منجر به تظاهرات فرهنگی متمایزی شده است. این ملاحظات محصوریت کامل مسکن را بدان گونه که در ایران مرکزی مشاهده می شود، منتفی نموده و محرمیت بنا را به حداقل می رساند." (خاکپور، ۱۳۸۶) بنابراین فرهنگ گیلانیان در عدم تفاوت میان مرد و زن در معماری نیز نمود پیدا کرده و خانه های سنتی در گیلان به شکل برونگرا ساخته می شوند. حتی حوزه تفکیک خانه ها از یکدیگر نیز محصور نبوده و "ورودی خانه ها و تشخیص حوزه های مختلف در محوطه خانه ها و گسترش حریم خانه ها با اضافه کردن فضای سبز به کنار جاده است." (لیوانی، رضائی، ۱۳۹۳) در مناطق کوهستانی اما بیشتر با استفاده از پرچین برای جلوگیری از ورود چهارپایان می باشد. اما عدم محصوریت بلند در حریم خانه ها در این ناحیه را تنها نمی توان به نقش فرهنگ در معماری گیلان معطوف کرد بلکه می توان گفت که "دلیل این امر همان استفاده از جریان هواست، تا از میان ساختمان ها عبور کرده و هوای مرطوب و راکد را با خود به بیرون محوطه و فضاهای زیستی ببرد. بهره بردن از طبیعت زیبا و سرسبز منطقه نیز از دلایل دیگر جهت تلفیق محیط مسکونی با طبیعت است." (قبادیان، ۱۳۸۸)

۴- تاثیرات طبیعت بر معماری گیلان

"در مناطق روستایی محیط سرسبز و پر از گیاه و درخت اجازه حصار بندی معین و مشخصی را به ساکنین نمی دهد. محدوده های گیاهی، درختان و انهار^۴ در مقایسه

۳- گربه رو: سوراخهای هواکش که زیر کف اطاق ها سازند که رطوبت و ایخره زمین بیرون کنند.

۴- انهار: روز کردن و بروز درآمدن

با دیوارهای بلند و بسته معماری کویری تضاد چشمگیری دارد و این ویژگی در زمینه مردم شناختی و روانشناختی منطقه ای جای و مکان ویژه ای دارد." (دبیا، ۱۳۷۲) در ساخت خانه‌ها، چوب به عنوان اصلی ترین مصالح این ناحیه شناخته شده است به گونه‌ای که "مصالح چوبی برای چندمین بار در ساخت خانه‌های مختلف طی سال‌ها مورد استفاده قرار می‌گرفته‌اند. این امر موجب حفظ و هدر نرفتن منابع طبیعی و جنگل بوده است. همچنین چوب‌ها به شکل طبیعی و بدون تراش بر روی هم مستقر می‌شوند، این امر از اتلاف منابع جلوگیری می‌کند و این سازنده و معمار است که خود را با طبیعت هماهنگ می‌کند." (میربوسفی، ۱۳۸۶) "در ساختار کالبدی این نوع معماری هیچ گونه عنصر غیرطبیعی مشاهده نمی‌شود علاوه بر آن که تمامی مصالح بوم آورد، در دسترس و ارزان قیمت‌اند. هماهنگی معماری و طبیعت، که به معماری، مفهومی زنده و پویا می‌بخشد و جایگاه انسان در این میان، محصول خرد نابی است که این معماری شگفت انگیز را خلق نموده است." (لیوانی، رمضانی، ۱۳۹۳)

۵- عناصر معماری خانه های سنتی گیلان

۵-۱- حیاط

"به عنوان عنصر باز خانه اهمیتی به اندازه سایر فضاها داشته که ارتباط بین خانه و طبیعت را فراهم می‌کند. حیاط خود بخشی از کالبد روستایی است که فضاها نیمه بازی جهت انبار محصولات و فضاهایی نظیر چاه آب، طولیله، آشپزخانه، مرغدانی و... به صورت پراکنده در حیاط قرار می‌گیرند." (گرچی مهلبانی، یاران، ۱۳۸۹)

۵-۲- اتاق

"اتاق‌ها در این اقلیم چند عملکردی هستند. در یک اتاق عملکردهای خواب، نشیمن، غذاخوری، پذیرایی و احیاناً آشپزی اتفاق می‌افتد. نکته دیگر فصلی بودن استفاده از اتاق است. اتاق در فصل سرما محل خواب، خوردن و حتی آشپزی است و در فصل گرما، اتاق جای خود را به عناصر دیگری می‌دهد و همین اعمال یا در ایوان (در صورت نداشتن تالار) یا در بیرون خانه در زیر کوتام^۵ یا زیر کندوج^۶ انجام می‌شود." (معماریان، ۱۳۸۷) "اتاق‌ها معمولاً اندازه ای به ابعاد ۳ در ۳/۵ متر داشته، از سازه چوبی و در به امتداد به جهت شرقی-غربی ساخته می‌شوند، به طوری که هر اتاق امکان تهویه و ورود هوا از شمال به جنوب و بالعکس را داشته باشد." (گرچی مهلبانی، یاران، ۱۳۸۹)

۵-۳- ایوان

"ایوان فضایی واسطه و نیمه باز در سلسله مراتب دسترسی از فضای باز به بسته می‌باشد. به گونه ای که بیشتر در خانه های شهری دیده می‌شود استقرار بالکن دور تا دور بنا می‌باشد. این بالکن ضمن آنکه دسترسی اتاق‌ها را به یکدیگر تأمین می‌نماید، مانع از رسیدن باران به بدنه بنا می‌شود." (دانشور، گرچی مهلبانی، ۱۳۸۹) و در تابستان از تابش مستقیم نور خورشید به اتاق‌ها جلوگیری می‌کند. "ایوان اصلی بزرگ‌تر از هر کدام از اتاق‌های خانه است و به عنوان فضای نشیمن استفاده می‌شود. این ایوان معمولاً در جبهه شرقی یا جنوبی ساختمان شکل گرفته، انداز و نسبت به سایر اتاق‌ها در ارتفاع بالاتری واقع می‌شود تا از چشم بهتر و جریان هوای بیشتری برخوردار گردد." (دبیا، ۱۳۷۲).



تصویر ۳- ایوان در خانه های گیلان (منبع: گوگل)



تصویر ۲- ایوان در خانه های گیلان (منبع: گوگل)



تصویر ۱- ایوان در خانه های گیلان (منبع: گوگل)

۵-۴- تالار

"ایوان طبقه دوم یا سوم تالار نامیده می‌شود. تالار به اندازه چند پله از ایوان بالاتر است و معمولاً در زیر آن انبار یا طولیله قرار می‌گیرد. و در بعضی نمونه‌ها زیر آن خال است." (معماریان، ۱۳۸۷) "تالار جزو مهم ترین عناصر واحد مسکونی روستایی و نشانی از اهمیت صاحب خانه است و پوشش جداره‌های خارجی آن کمتر از ایوان بوده است." (خاکپور، ۱۳۸۶).



تصویر ۶- تالار در خانه های گیلان (منبع: گوگل)



تصویر ۵- تالار در خانه های گیلان (منبع: گوگل)



تصویر ۴- تالار در خانه های گیلان (منبع: گوگل)

۵-۵- غلام گرد^۷

"فضاهایی با دو ردیف ستون جلوی تالارها، غلام گرد نامیده می‌شود" (معماریان، ۱۳۸۷). غلام گردها معمولاً در جبهه جنوبی و شمالی خانه قرار گرفته و استفاده از آن در خانه‌ها باعث می‌شود که "دیوارها در برابر باران و تابش مستقیم آفتاب تابستانی محافظت می‌شوند و فضای مناسب و سایه دار در تابستان ایجاد می‌کند. همچنین جریان هوا و نسیم تابستانی در اطراف ساختمان بوجود می‌آید" (دانشور، گرچی مهلبانی، ۱۳۸۹).

۵- کوتام: به نوعی ایوان، نوعی ساختمان تابستانی در گیلان گویند.

۶- کندوج: محل نگهداری خوشه های برنج می باشد.

۷- غلام گرد: راهرو، کریدور، اطاقی که میان دو اطاق واقع شود و به هر دو آنها راه داشته باشد.



تصویر ۸- غلام گرد در خانه های گیلان (منبع: گوگل)



تصویر ۷- غلام گرد در خانه های گیلان (منبع: گوگل)

۵-۶- بام شیب دار

"پوشش های شیب دار در شکل های گوناگون و مصالح مختلف، از ویژگی های مهم نمای خانه های گیلانی است. در بعضی نقاط گیلان مانند اطراف لاهیجان، شیب این پوشش ها خیلی زیاد و در بعضی از نقاط مانند اطراف فومن این شیب کمتر است. رنگ قهوه ای آن همراه با قرار گیری دسته های گالی^۸ و کولش^۹، سطح زیبایی را شکل می دهد و خانه گیلانی را با محل خود مانوس می کند." (معماریان، ۱۳۷۲) اشکال ساده سقف های شیب دار از به وجود آمدن کنج های برف گیر جلوگیری کرده و مانع نفوذ آب حاصل از ذوب برف به داخل بنا می شود (دانشور، گرجی مهبلانی، ۱۳۸۹) بعلاوه "برای جلوگیری از نفوذ باران به داخل ساختمان توسط باد معمولا سقف شیب دار تا نزدیکی کف زمین در یک یا دو جناح ساختمان که رو به باد قرار دارند ادامه می یابد و معمولا پنجره ای از این دو جناح باز نمی شود. فضای خالی بین بدنه اصلی بنا و امتداد سقف که فاکون^{۱۰} گفته می شود؛ محل مناسبی برای انبار نمودن و یا پخت غذا می باشد." (دبیا، ۱۳۷۲) همچنین "پوشش سقف متداول در نواحی جلگه ای سقف گالی (نوعی الیاف گیاهی حاشیه مرداب) و یا کولش (ساقه گیاه برنج) می باشد و قبل از نصب آن ها اسکلت چوبی نگهدارنده ساخته می شود." (گرجی مهبلانی، یاران، ۱۳۸۹) "اما پوشش سقف در نواحی کوهستانی گیلان متفاوت بوده و از لته سر^{۱۱} استفاده می کنند که جنس آنها معمولا از چوب درخت بلوط یا راش می باشد." (گرجی مهبلانی، یاران، ۱۳۸۹).



تصویر ۱۱- بام شیب دار در خانه های گیلان (منبع: گوگل)



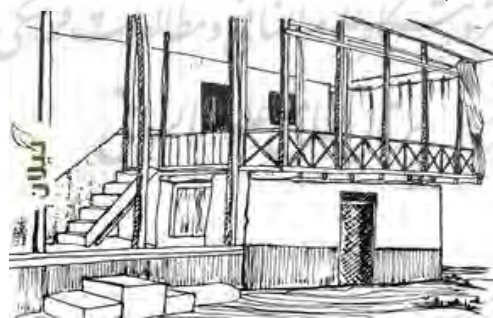
تصویر ۱۰- بام شیب دار در خانه های گیلان (منبع: گوگل)



تصویر ۹- بام شیب دار در خانه های گیلان (منبع: گوگل)

۵-۷- بالاخانه

"اتاقی که تالار جلوی آن قرار می گیرد بالا خانه نامیده می شود. در این اقلیم تهویه و جریان هوا نقش اساسی در شکل گیری معماری ایفا می کند، لذا بالا خانه به عنوان فضایی که تالار جلوی آن قرار دارد، بهترین اتاق از نظر تهویه، جریان هوا، دید و منظر می باشد. از طرفی دارای دسترسی جداگانه از ایوان است. به همین دلیل به مهمان اختصاص می یابد." (دانشور، گرجی مهبلانی، ۱۳۸۹).



تصویر ۱۲- بالاخانه در خانه های گیلان (منبع: معماریان، ۱۳۸۷ ص ۱۲۲)

۵-۸- کرسی چینی

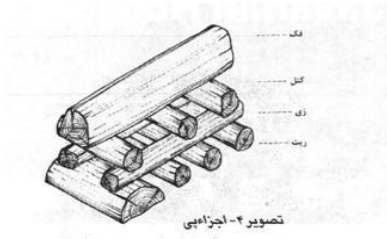
"برای جلوگیری از نفوذ رطوبت به کف بنا، ساختمان از کف زمین ارتفاع گرفته تا جریان هوا مابین کف و سطح زمین برقرار شود." (دانشور، گرجی مهبلانی، ۱۳۸۹).

۸-گالی: گالی گیاهی است مردابی که لبه های آن بسیار تیز و برنده می باشد که پس از خشک شدن به رنگ کرم تا زرد شده و دارای مقاومت بسیار بالایی می باشد به همین علت از آن برای حصیر و زنبیل بافی و بافت کلاه های حصیری استفاده می شود و نوع بی کیفیت آن لی که در لهجه مازندرانی به آن جره گفته می شود، که پس از خشک شدن به رنگ قهوه ای سوخته در می آید و از این گیاه به عنوان پوشش سقف استفاده می شود. این پوشش در لهجه مازندرانی جره سر خنه یا خانه گفته می شود.

۹-کولش: به ساقه گیاه برنج گویند که همان کاه برنج می باشد.

۱۰-فاکون: فضای باقیمانده بین بدنه اصلی بنا و امتداد سقف را گویند که به عنوان فضاهای خدماتی نظیر انبار مواد غذایی و یا پخت و پز غذا استفاده می شود.

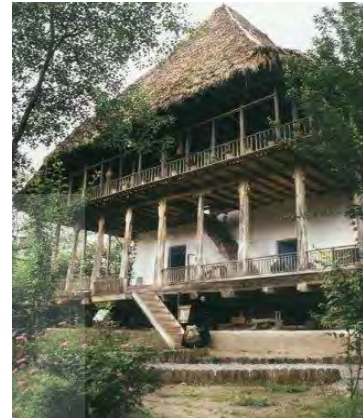
۱۱-لته سر: تقسیم بندی بین دو تیره یا مرز زمین شالیزاری، که مربع و یا مستطیل شکل است.



تصویر ۱۳- کرسی چینی در خانه های گیلان (منبع: گوگل) تصویر ۱۴- کرسی چینی در خانه های گیلان (منبع: گوگل) تصویر ۱۵- کرسی چینی در خانه های گیلان (منبع: گوگل)

۵-۹- پله

می توان گفت که شکل و محل قرارگیری پله در خانه های گیلان بی تاثیر از معماری برونگرا این منطقه نبوده و "پله خود به شکل یک المان معماری طراحی شده و هیچ گاه مانند بناهای منطقه کویری ایران در درون جرزها مخفی نمی گردد. در خانه های شهری پله های ارتباطی طبقات معمولا در محدوده بسته قرار داشته که بیشتر تأثیر گرفته از معماری اروپایی و روسیه می باشد. از نظر اقلیمی این عنصر معماری در جبهه های از ساختمان اجرا می شود که از کج باران و تابش مستقیم آفتاب به دور باشد." (دانشور، گرجی مهلبانی، ۱۳۸۹).



تصویر ۱۷- پله در خانه های گیلان (منبع: گوگل)

تصویر ۱۶- پله در خانه های گیلان (منبع: گوگل)

۵-۱۰- کوتام

"کوتام جزء فضاهای نیمه باز محسوب می شود که از چهار طرف باز بوده و توسط جان پناهی چوبی احاطه می شود و سقفی به شکل هرم دارد." (دبیا، ۱۳۷۲) "از قسمت زیرین کوتام برای نگهداری دام ها و از قسمت بالایی آن برای خواب تابستانی (بهار خواب) اعضای خانواده استفاده می شود. از نظر اقلیمی این بنا دارای یک اهمیت ویژه است. با توجه به گرمای هوا و رطوبت زیاد در تابستان که سبب به وجود آمدن آب و هوای شرجی در منطقه می شود، احداث فضایی نیمه باز که از چهار طرف باز است و از زمین فاصله دارد می تواند با ایجاد نسیم ملایم و ایجاد کوران از جهات مختلف، برای رسیدن به آسایش اقلیمی موثر باشد." (دانشور، گرجی مهلبانی، ۱۳۸۹).



تصویر ۱۸- کوتام در خانه های گیلان (منبع: گوگل)

۵-۱۱- کندوج

"جزو فضاهای نیمه باز محسوب می شود. سقفی بلند به شکل کله قند دارد. ابعاد این فضا کمی بیشتر از کوتام می باشد. از این فضا برای انبار کردن غله و برنج استفاده می شود." (دبیا، ۱۳۷۲) سقف آن گالی پوش بوده و اغلب شیب بسیار تندی داشته و غالبا بر روی ۴ ستون چوبی قرار گرفته که نقش اقلیم در طراحی آن به منظور جلوگیری از رطوبت در برنج مشهود است.



تصویر ۱۹- کندوج در خانه های گیلان (منبع: گوگل)

۵-۱۲- تلمبار

"فضایی است که جهت انبار کردن محصولات کشاورزی استفاده می شود. به همین دلیل دیوارهای آن معمولا به کمک نی و گل بسته می شود و سقف دو شیبه با پوشش لی دارد." (دانشور، گرجی مهلبانی، ۱۳۸۹)



تصویر ۲۰- تلمبار در خانه های گیلان (منبع: گوگل)

۶- ویژگی های معماری سنتی گیلان

۶-۱- برونگرایی

"علت شکل گیری ساختمانهای برونگرا در این منطقه در درجه اول بهره گیری از کوران هوا می باشد تا از این طریق از سکون ماندن رطوبت در ساختمان جلوگیری به عمل آید. از طرفی اعتدال هوا سبب می شود که نیازی به درونگرایی نباشد در کنار این اصول می توان هدف دیگر معماری برونگرا را، استفاده حداکثری از طبیعت و ایجاد منظر مناسب و دیدبانی از محدوده حیاط دانست." (دانشور، گرجی مهلبانی، ۱۳۸۹) البته نباید از نقش ویژه فرهنگ و کم بود نقش محرمیت در آن غافل شد. "در معماری گیلان هر آنچه در ظاهر بناست، در درون آن نیز اتفاق می افتد، و هر چه در درون است، در بیرون آن نیز نمود دارد." (لیوانی، رضانی، ۱۳۹۳)

۶-۲- تزئینات

در گیلان در اسفند ماه زنان هر خانواده با تهیه «گل رس» برای «گیله کار»^{۱۳} کف خانه را تمیز می کردند. و با نوعی گل بنام «سفید گل» دیوارها را تزئین می کردند (عباسی، ۱۳۸۵). همچنین "در نماسازی بناها، سفید کردن دیوارها با استفاده از دوغاب آهک و رنگ آمیزی تیر و ستون ها با رنگ های شاد و زنده که از نظر اقلیمی می توان آن را به هماهنگی با محیط اطراف بنا نسبت داد. در شهرها نیز معمولا سطوح خارجی دیوارها با رنگ های شاد رنگ آمیزی شده اند و یا از آجر قرمز برای نماسازی در آن استفاده شده که از مشخصات جالب معماری روستایی در این منطقه است" (دیب، ۱۳۷۲).

۶-۳- جهت بنا

"در این مناطق می توان از فرم های آزاد و حتی صلیبی شکل استفاده کرد. ولی با این وجود، فرم ساختمان حتما باید در طول محور شرقی- غربی کشیدگی داشته باشد تا از کوران مورد نیاز برخوردار شود." (کسمائی، ۱۳۸۴) همچنین "برای بهره گیری بیشتر از جریان هوا و نور آفتاب در داخل اتاق ها آنها را به صورت خطی و در امتداد شرقی- غربی می سازند." (دیب، ۱۳۷۲)

۶-۴- مصالح

"استفاده مطلوب از انواع مصالح بومی و تجدید پذیر و مقاوم در مقابل عوامل اقلیمی منطقه که در پی ابنیه تا سازه و دیوارها و سقف و اندود ساختمانها استفاده می شود از خصوصیات معماری این استان می باشد." (گرجی مهلبانی، یاران، ۱۳۸۹) "برخلاف معماری بومی کویر که بیشتر از خشت و آجر بنا شده است، معماری این منطقه از چوب و الیاف گیاهی به صورت عمده استفاده شده است. جنگل های انبوه در کنار مزارع برنج از مهمترین منابع تأمین مصالح ساختمانی منطقه به عنوان اسکلت و پوشش ها می باشد." (دانشور، گرجی مهلبانی، ۱۳۸۹) همچنین از اندود «کاه گل»^{۱۴} برای پر کردن فاصله های خالی دیوار چوبی و از «فل گل»^{۱۵} که متشکل از گل رس، آب و پوست خرد شده برنج (سبوس) که مانع ترک خوردگی می گردد، می باشند. (قبادیان، ۱۳۸۸)

۱۲- تلمبار: به اتاق و یا بخشی از ساختمان که برای نگهداری و پرورش کرم ابریشم استفاده می شود، گویند.

۱۳- گیله کار: نوعی کار با گل برای بازسازی و مرمت کاه گل می باشد.

۱۴- کاه گل: کاه گل ارزه: ریگ روان، کاهگلی است که علاوه بر خاک رس مقداری ریگ روان و خاک کاه شسته دارد که در نما سازی بکار می رود.

۱۵- فل گل: اندودی است که در مناطق شمال کشور استفاده می شود و از ترکیب گل رس، آب و پوست خرد شده ی دانده ی برنج حاصل می شود.

۷- تجزیه و تحلیل

جدول ۱ در این ویژگی‌های هر یک از شاخص‌های معماری گیلان در سه حوزه اقلیم، فرهنگ و طبیعت مورد بررسی قرار می‌گیرد.

عناصر و ویژگی	دلیل اقلیمی	دلیل فرهنگی	دلیل طبیعت
حیات	بهره‌گیری از جریان‌های هوا	عدم محصوریت	۱- استفاده از طبیعت ۲- استفاده از مرز گیاهی کوتاه در حریم خانه
ایوان	۱- تهویه در تابستان (استفاده از باد و کم کردن رطوبت) ۲- عدم تابش مستقیم نور خورشید به اتاق‌ها	میل به همنشینی	دید منظر
تلار	عدم تابش نور مستقیم خورشید به بالاخانه در تابستان	۱- میل به همنشینی ۲- اعتبار صاحب‌خانه	دید منظر
غلام‌گرد	۱- نسیم شمالی در تابستان ۲- آفتاب ملایم زمستان ۳- کنترل نور در تابستان ۴- جریان‌های باد در تابستان	میل به همنشینی	۱- دید منظر ۲- مصالح طبیعی
بام شیب‌دار	۱- جلوگیری از رطوبت ۲- جلوگیری از باران و برف ۳- کنترل نور در جبهه جنوب ۴- کنترل کج باران در غرب	برونگرایی	استفاده از مصالح طبیعی مانند چوب، گالی و...
بالاخانه	بهترین از لحاظ تهویه و نور	اتاق میهمان	بهترین دید منظر
کرسی چینی	جلوگیری از رطوبت	-	-
پله	-	برونگرایی	مصالح چوبی
کوتام	۱- ارتفاع آن به دلیل رطوبت ۲- فضا نیمه و باز خنک در تابستان	برونگرایی	مصالح طبیعی
کندوج	۱- سقف شیب‌دار تند ۲- ارتفاع از سطح زمین به دلیل رطوبت	برونگرایی	مصالح طبیعی
تلمبار	سقف شیب دار	-	مصالح طبیعی
برونگرایی	استفاده از کوران	نوع فرهنگ منطقه	دید منظر
تزئینات	-	رنگ‌های شاد	۱- آجر قرمز ۲- گل سفید
جهت بنا	کشیدی شرقی-غربی	-	-
مصالح	-	-	چوب، سنگ، ساقه برنج
اتاق	بهره‌گیری از تهویه شمال-جنوب	برونگرایی	-

(ماخذ: نگارنده)

نتیجه‌گیری:

با توجه به بررسی‌های عمل‌آمده در معماری گیلان و ویژگی‌های عناصر معماری آن در سه حوزه اقلیم، فرهنگ و طبیعت دریافتیم که تمامی عناصر معماری در آن با توجه به این حوزه‌ها بوجود آمده و نقش آنها در همه زمینه‌ها بسیار مشهود می‌باشد. در این میان فاکتور اقلیم نقش پررنگی را داشته است. معماری گیلان برای استفاده از هر عنصر معماری دلیل موجهی در هر یک از این حوزه‌ها داشته و آنها را به بهترین وجه به نمایش گذاشته است. اصول کلی معماری خانه‌های سنتی گیلان در موارد زیر خلاصه شده است:

- کشیدی شرقی-غربی و بهره‌مندی از جریان‌های باد در تابستان و نور مناسب در زمستان
- استفاده از جریان‌های باد برای تهویه به کمک ایوان، تلار، غلام‌گرد
- جلوگیری از تابش مستقیم نور خورشید در تابستان به کمک ایوان، تلار، غلام‌گرد و لبه سقف شیب‌دار در ضلع جنوبی
- تابش نور خورشید در زمستان به اتاق‌ها
- استفاده از سقف شیب‌دار جهت جلوگیری از رطوبت و نفوذ باران
- کرسی چینی بلند برای جلوگیری از رطوبت کف
- سقف شیب‌دار بلند و تا نزدیک زمین در جبهه غرب برای جلوگیری از کج باران و نفوذ باد در زمستان به ایوان و تلار
- عدم محصوریت حیاط به دلیل بهره‌گیری از جریان‌های هوا و دید طبیعت
- معماری برون‌گرا با توجه به نوع اقلیم و فرهنگ
- توجه به برون‌گرایی در ساخت همه عناصر با توجه به فرهنگ، میل به همنشینی و نقش متفاوت محرمیت نسبت به معماری فلات مرکزی
- استفاده از مصالح طبیعی مانند چوب و گل
- استفاده از رنگ‌های شاد در تزئینات

منابع:

۱. کسمائی، مرتضی، ۱۳۸۴، اقلیم و معماری، نشر خاک، چاپ سوم، ۱۲۲
۲. معماریان، غلامحسین، ۱۳۸۷، آشنایی با معماری مسکونی ایرانی گونه شناسی برونگرا، تهران، موسسه فرهنگی سروش دانش
۳. رفیعی، زهرا، ۱۳۹۰، روند تحولات نغار در معماری بومی مازندران، باغ نظر، شماره ۱۹، ۶۴-۵۵
۴. دیبا، داراب و یقینی، شهریار، ۱۳۷۲، تحلیل و بررسی معماری بومی گیلان، مجله معماری و شهرسازی، دوره چهارم، شماره ۲۴: ۱۶-۶
۵. خاکپور، مزگان، ۱۳۸۴، مسکن بومی در جوامع روستایی گیلان، نشریه هنرهای زیبا، تابستان، شماره ۲۲: ۷۲-۶۲
۶. خاکپور، مزگان، ۱۳۸۶، معماری خانه های گیلان، رشت: فرهنگ ایلیا
۷. لیوانی، معصومه و رضانی، مریم، ۱۳۹۳، پژوهشهای منظر شهر، سال اول، شماره ۲، پاییز و زمستان
۸. قبادیان، وحید، ۱۳۸۸، تطبیق مسکن با اقلیم، مجله معماری و شهرسازی، دوره چهارم، شماره ۲۴: ۲۱-۱۷
۹. قبادیان، وحید، ۱۳۸۸، بررسی اقلیمی ابنیه سنتی ایران، انتشارات دانشگاه تهران
۱۰. میریوسف، پویا، ۱۳۸۶، بوم معماری واژه ای جدید با ژرف در گذشته، کندوج (میراث روستایی گیلان)، شماره ۱۴، ۵-۱۰
۱۱. گرجی مهلبانی، یوسف و یاران، علی، ۱۳۸۹، نشریه هنرهای زیبا-معماری و شهرسازی، شماره ۴۱، بهار
۱۲. دانشور، کیمیا و گرجی مهلبانی، یوسف، ۱۳۸۹، تاثیر اقلیم بر شکل گیری عناصر معماری سنتی گیلان، شماره ۴، بهار و تابستان
۱۳. عباسی، هوشنگ، ۱۳۸۷، آئین ها و باورداشت های کشت برنج در گیلان، کندوج (میراث روستایی گیلان) شماره ۷، ۳۷-۴۷

